

و چقدر برای ما دلنشین و تازه بود، با آن همه دیدار که از پیش داشتیم. چرا که رنگ و بوی زندگی می داد. قرار برای مصاحبه بود و سرانجام، استاد، به رسم مردان زمینی، که بال گشوده بودند به گشایش خاک، که دانه ای بکارند و درختی برآرند، با گرد و غبار بر چهره از راه رسید؛ چون همیشه صمیمی و گرم، با آن همه خستگی. نمی دانستم که در جایگاه خبرنگار هستم یا کودک موسیقی ایران و یا شیدای دیرینه شجریان.

«بر آستان جانان گرسر توان نهادن  
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد»  
چگونه می توانستم منی که سالها با صدای او، دل انگیزترین بیان شعر فارسی را تجربه کرده بودم، اکنون به پرسش برخیزم؟! تعارف های همیشگی ایرانی، رابطه ی شاگرد و استادی و همه اینها مانع از آن نشد که استاد با همان سادگی همیشگی بگویند: خب کی آغاز کنیم؟... و اینگونه حداقل گوشه ای از احساسم را بیان کردم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
فرهنگی و اجتماعی

گفتگو با

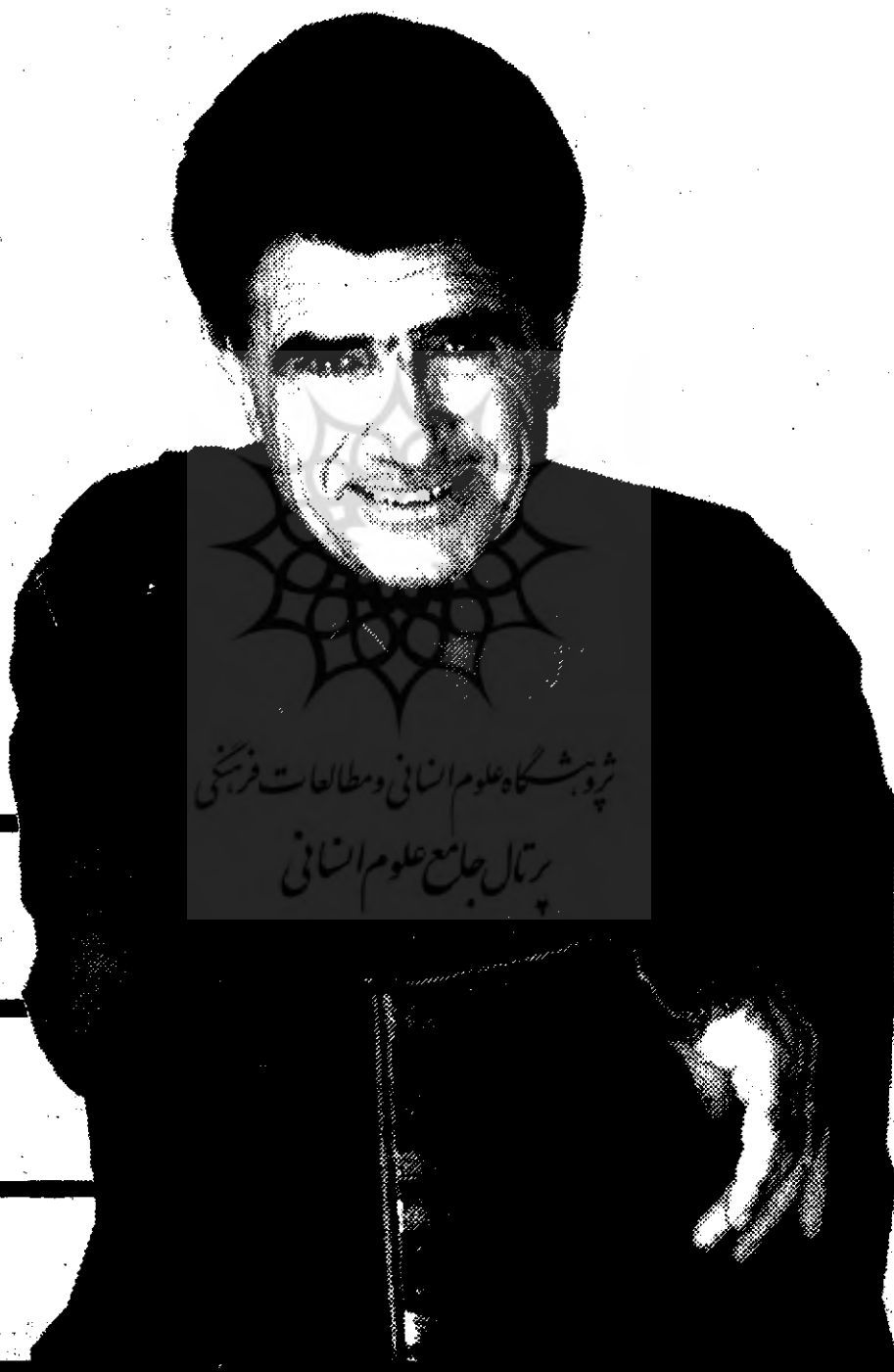
محمد رضا شجریان  
(استاد آواز ایران)

... و اما این گفت و گو کوتاه تر از آن شد که فصلنامه می خواست چرا که استاد هنوز هم خسته بودند...

□ تعریف شما از آواز و آوازه خوان یا آوازخوان چیست؟

• همه می دانند آواز چیست، اما در خصوصیات آواز

خوب می توان گفت: خواننده ی آواز باید صدای خوبی داشته باشد، از صدا به بهترین نحو استفاده کند و تکنیک های صداسازی را بداند، تحریر را بشناسد و بتواند اجرا کند و مقام ها و دستگاه ها و گوشه ها و ملودی ها و رابطه ی ملودی ها و جملات را بشناسد. مثل یک نوازنده، اما از جهتی کار آوازخوان حساس تر است، چون با شعر سروکار دارد و درگیر شعر است. یعنی باید با شعر حرکت کند، چون این نوع موسیقی مبتنی بر آواز است. هنر آواز



چگونگی ارائه‌ی شعر است نه فقط تکنیک. یکی از دانش‌های خوانندگی شناخت موسیقی کلام است. در آواز مانند کلام باید عمل کرد، همچنان که در صحبت کردن حالت پرسش و تعجب و خطاب و... وجود دارد، در آواز نیز همه‌ی این‌ها باید اجرا شود، اما موسیقایی. خیلی از آوازخوان‌ها شعر را لدای تکنیک و تحریر می‌کنند و این پسندیده نیست. همانطور که گفتم همه‌ی دانش و تکنیک و تجربه و تحریر باید در اختیار شعر و برای بیان مفاهیم شعری باشد و تحریرها هم باید در ارتباط با جمله‌بندی خاصی باشد که شعر را با آن بیان کرده‌اند. از تحریرهای طولانی و بی‌جا باید پرهیز کرد مگر آنکه با توجه به فرم ملودی تحریر گاهی طولانی‌تر شود.

□ آیا می‌توانیم برای حد زمانی و استفاده‌ی به‌جا از تحریرها، قانونمندی خاصی ارائه دهیم؟

• حد زمانی نمی‌توانیم تعیین کنیم. به فرم جمله بندی بستگی دارد، گاهی ممکن است بعد از بیان یک بیت، خواننده یک گوشه‌ی سازی را با تحریر اجرا کند مثل اجرای گوشه‌ی بسته نگار با تکنیک‌های آوازی؛ تحریر باید منطبق داشته باشد، مثل کلام.

□ در مقایسه‌ی آواز با کلام، آیا می‌توان فرض کرد که تحریرها گاهی حکم سکوت در کلام را دارند و گاهی مثل

زمانی که فرمودید، اجرای یک گوشه‌ی سازی با تحریر، حالت یک جمله‌ی معترضه در تکمیل بیان آوازی دارد؟

• بله، کسی که آگاهی و توانایی داشته باشد به راحتی از این تکنیک‌ها در جهت القای دقیق‌تر شعر بهره می‌گیرد.

□ یکی از مشخصات آواز شما خصوصاً از سال‌های ۶۳-۶۴ به بعد، بیان واضح و دقیق شعری شماست. یعنی علاوه بر اینکه از بیان شعر کاسته نمی‌شود، آواز و در حقیقت موسیقی، کمکی است در بیان بهتر مفاهیم، مثلاً بعضی از اشعار را خود من با آن ملودی و ریتمی که شما خوانده‌اید در حافظه‌ام سپرده‌ام.

• وقتی یک شعر، در آواز، خوب ارائه شود تأثیر بسیار زیادتری نسبت به زمانی که آن را دکلمه می‌کنند دارد.

□ البته متأسفانه بسیاری از کسانی که به اصطلاح آواز می‌خوانند به دلیل ناآگاهی به جوانب مختلف آواز، شعر را لدای می‌کنند و اثر خوبی ارائه نمی‌دهند.

• این اشکالات از چند چیز ناشی می‌شود: بعضی که ردیف هم می‌دانند، هرگونه شعر با تأکیدهای مختلف را در یک گوشه و با همان تأکیداتی که آموخته‌اند بیان

هر کس اول باید توانایی ارائه صدای

طبیعی خود را داشته باشد پس آن صدا سازی را بیاموزد.

هنر آواز چگونگی ارائه شعر است نه فقط تکنیک.

مستند به موسیقی در

ذات یکی است موسیقی پایه هم یکی از انواع موسیقی.

خود مقوله آواز در آکادمیک شدن نقص دارد؟

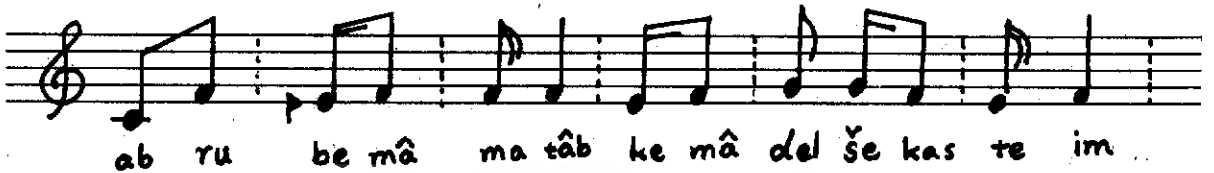
● آواز ایرانی مشکلی در آکادمیک شدن ندارد. اشکال در سیاست گذاری ها بوده چرا که نتوانسته اند اسانید آواز را در دانشکده ها جذب کنند.

□ صداسازی و استفاده ی بهینه از صدا که شما در اول

می کنند. مثلاً گوشه ی زابل را با شعری یاد گرفته اند و شعر دیگری را با همان ملودی و تأکیدها اجرا می کنند. خود کلام، موسیقی دارد و اگر موسیقی کلام درست بیان نشود معانی آن نیز به درستی بیان نمی شود. مثلاً: شعر «ابرو به ما متاب که ما دلشکسته ایم» در مخالف سه گاه که به این شکل باید خوانده شود:



و اما به غلط این گونه هم می توان خواند:



بحث فرمودید یکی از مشخصه های آواز شماست، کمی در این باره توضیح دهید.

● تمرین و توجه و حساسیت گوش و تسلط خواننده بر خود و حنجره، با تمرین زیاد و تمرکز عامل مؤثری در صداسازی است. من به شخصه کلیه تکنیک های خواننده های قدیمی که از آنها آثار صوتی باقی مانده به عنوان تحقیق و شناخت صدا و تلفیق شعر و موسیقی و... به دقت گوش داده ام و در حافظه ی صوتی خود آنها را حفظ کرده ام، به طوریکه گاهی اوقات تکنیک هایی را که تمرین کرده بودم و به آنها دست نیافته بودم در چند سال بعد، ناخودآگاه به آنها می رسیدم. چون به دلیل تمرین و شنیدن بسیار و تکرار، ضمیر ناخودآگاه من بدون توجه، به کار می افتاد و در نهایت این ممارست به این نتیجه رسیدم که معلم آواز مانند یک پزشک بالینی باید عمل کند، به طوریکه وقتی هنرجوی آواز مراجعه می کند با توجه به شرایط شخص تجویز کند، یعنی مشخصه های هر صدا را به خوبی بشناسد و قابلیت های آن را بداند و سپس صدای فرد را تربیت کند. هر کس اول باید توانایی ارائه صدای طبیعی خود را داشته باشد، پس از آن صداسازی را بیاموزد.

□ حال در مورد موسیقی «پاپ»، با توجه به

«ابرو به ما متاب که ما دل شکسته ایم»

این را نباید فراموش کنیم که در آواز، شعر ابزار بیان موسیقی نیست بلکه موسیقی ابزار بیان شعر است. بعضی نیز نه ردیف می دانند و نه موسیقی شعر، که نتیجه مشخص است. البته بعضی در عین دانستن موسیقی شعر، ردیف نمی دانند و اما خلاق هستند و کاری که آرایه می دهند در سطح بالایی نیست. بنابراین هر خواننده باید ردیف بداند و تکنیک و دانش داشته باشد و بعد در دوره ی عالی، بیان صحیح شعر و تلفیق درست شعر و موسیقی را آموزش دیده باشد.

□ بنابراین وقتی شعری در گوشه ای خوانده می شود، فقط ساختار گوشه حفظ می شود و درون آن با آکسانها و تأکیدهای کلامی و شعری تغییر می یابد.

● به همین دلیل خواننده ی آواز باید خلاق باشد، چون در لحظه باید خلق کند، شعر را به آواز بخواند و معنا را درست القا کند.

□ جای رشته ی آواز در دانشکده های موسیقی در ایران خالی است. به نظر شما این نقص به موسیقی دانها برمی گردد یا به سیاست گذاری هایی موجود؟ و یا اینکه

صحبت هایی که در سرای اهل قلم داشتید آیا ما می توانیم موسیقی «پاپ ایرانی» داشته باشیم؟ منظور موسیقی پاپ، با توجه به ساختارهای موسیقی سنتی ایران (کلاسیک ایران) است.

● آقای نوری با تکنیک های خاص خودشان موسیقی بسیار زیبایی اجرا می کنند که افغانی و ترکی و عربی و... نیست و استفاده ی نابجا از ادوات تحریرهای ایرانی نیز ندارند. برای مثال در خارج از ایران، «خولیو» که شخصیت خاص خودش را دارد با پیام خاص خود.

این گونه موسیقی بسیار متناسب و خوشایند است و هر کس با گوش های سالم از این نوع موسیقی در لحظاتی لذت می برد.

□ به عنوان جوان های موسیقی برای ما این نظرات شما در مورد موسیقی پاپ بسیار جالب و امیدوار کننده است. شما در سرای اهل قلم، در نمایشگاه کتاب، جمله ی بسیار زیبایی بیان کردید و آن اینکه وقتی موسیقی پاپ وجود دارد یعنی باید باشد و در واقع این یک عبارت فلسفی است. ما باید قبول کنیم که موسیقی سنتی یا کلاسیک هر منطقه، موسیقی ای است با عمق زیاد که انسان را وادار به تفکر و تفحص می کند و اما خیلی اوقات ما به موسیقی های زمینه ای یا برنامه ای و حتی روزمره احتیاج داریم و در اینگونه موارد، موسیقی هایی چون پاپ لازم می شوند.

یکی از ضعف های ما در موسیقی پاپ در ایران کمبود آهنگسازان تحصیل کرده و به معنای واقعی آهنگساز است که نیاز است آهنگسازان پاپ پس از یادگیری ادبیات موسیقی ایرانی و علوم آهنگسازی، مبادرت به این کار کنند. آیا در مورد خواننده های پاپ هم نیاز به آموزش موسیقی ایرانی وجود دارد؟ یعنی آیا باید ردیف موسیقی ایرانی و تکنیکهای آوازی ایرانی را بشناسند یا خیر؟

● خیر، نیاز نیست. خواننده ی پاپ نیازی به خواندن آواز به معنای ایرانی آن ندارد، بنابراین نیازی به ملودی پردازی و یا علوم دیگر آواز ندارد. بلکه خواننده های پاپ باید دوره های سلفژ و گام شناسی و صداسازی ببینند و در واقع استفاده ی درست از صدا را آموزش ببینند.

● هسته ی موسیقی در ذات یکی است. موسیقی پاپ هم یکی از انواع موسیقی. تفاوت در فرم ملودی، ویراسیونها، نوانس ها و تکنیک های اجرایی و سازبندی است. ریتم و نوانس ها و ویراسیونهایی که در موسیقی وجود دارد می توانند لهجه ایجاد کنند. ملودیهای موجود در موسیقی پاپ ظاهراً ایرانی، مربوط به زبان فارسی نیست معمولاً خوانندگان پاپ ایرانی به شیوه ی ترکی، عربی، افغانی و پاکستانی می خوانند و کلمات ترانه ها نیز اغلب زیبا نیست.

□ پرسش ما هم به همین دلیل بود، چون موسیقی پاپ در تعریف عام آن نوعی موسیقی ریشه دار و حتی امروزه آکادمیک است. اما به طور خاص، در ایران، موسیقی پاپ شخصیت تعریف شده ای ندارد. از طرفی دیگر ملودی در موسیقی پاپ، در بیشتر کشورها، جایگاه ویژه ای دارد و معمولاً موسیقی دانهایی در پاپ مطرح شده اند که ملودی پردازهای خوبی بوده اند و از آنجا که موسیقی ایرانی به دلیل ساختار ملودیک آن می تواند بستری مناسب برای موسیقی پاپ باشد، آیا می توانیم به طور جدی از این موسیقی برای موسیقی پاپ وام بگیریم و درحقیقت، موسیقی پاپ ایرانی داشته باشیم؟ با شخصیت ایرانی و بیان ایرانی، یعنی بر مبنای ملودی و کلام ایرانی؟

● بله. به طور مثال آقای نوری - که البته من حد تعیین نمی کنم که ایشان پاپ می خوانند یا کلاسیک - اما الحق بسیار خوب می خوانند. ایشان در خواندن استادند. □ به نظر ما ایشان تلفیقی هنرمندانه از موسیقی پاپ و کلاسیک دارند.

معجزه است، تاثیر موسیقی زنده  
هیچکس برای نوازنده ی  
متخصص آثار مندلسون، مندلسون ننواخت  
خلاقیت - تواضع و حوصله، رمز موفقیت راسین  
انگشتان او با روحش رابطه دارند  
موسیقی شش مقام در سده اخیر  
لوریس چکناواریان، بازآفریننده رستم و سهراب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی